

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والنٲین کاتاسانوف* (Valentin Katasonov)

برگردان: ا.م. شیری

۲۵ مارچ ۲۰۲۵

توافقنامه مار-آ-لاگو طرح نجات دیر هنگام امریکا



[در حالی که نظام برتون وودوز در حال از هم پاشیدن و سلطه دالر سمی در حال افول است، دالریزان در ایران- حامیان و طرفداران سلطه دالر صهیونیستی امریکا بر اقتصاد میهن ما، نرخ مبادله آن را به یک صد هزار تومان رسانده‌اند. آیا شناسانی و متوقف کردن طرفداران سلطه دشوار و خیلی پر هزینه است یا اراده‌ای برای انجام این کار وجود ندارد؟! - شیری

واشنگتن امید خود را برای وادار کردن شرکایش به موافقت با قوانین جدید تجارت جهانی و روابط بین‌الملل از دست نمی‌دهد.

هر از گاهی عبارت «توافق مار-آ-لاگو» در گزارش‌هایی درباره تصمیمات ترمپ از زمان بازگشت به کاخ سفید تکرار می‌شود. اما به طور کامل گفته نمی‌شود که این توافق بین چه کسی منعقد شده و در مورد چیست. سعی می‌کنیم آن را توضیح دهیم.

در واقع، معلوم می‌شود که در حال حاضر چنین توافقی وجود ندارد. این یک طرح مفهومی خاص است که به ادعای خودی‌ها، دونالد ترمپ و افراد تیمش از آن استفاده می‌کنند. «مار-آ-لاگو» نام باشگاه خصوصی دونالد ترمپ واقع در پالم بیچ فلوریدا است. در اینجا به طور مشخص گفته نمی‌شود که ترمپ نه تنها کاربر این طرح، بلکه در ابداع آن نیز نقش داشته است.

این طرح بازسازی بنیادی مناسبات امریکا با سایر کشورها، در وهله اول، بازسازی روابط در حوزه‌های پولی، مالی و تجاری و اقتصادی را پیش‌بینی می‌کند. به همین دلیل، «توافقتنامه مار-آ-لاگو» نمی‌تواند مورد توجه سایر کشورها قرار نگیرد. این طرح احتمالاً به این دلیل «توافق» نامیده می‌شود که ترمپ انتظار دارد سایر کشورها با مفاد اساسی آن موافقت کنند و واشنگتن در نهایت قادر خواهد بود سایر کشورها را به وضع قوانین جدید در توافقات بین‌المللی مجبور کند.

ایده‌های اصلی «توافقتنامه مار-آ-لاگو» را به اختصار توضیح می‌دهم: «عادلاته‌تر کردن» تجارت امریکا با سایر کشورها به طریق از میان برداشتن عدم تعادلات فعلی؛ تجدید ساختار بار بدهی امریکا و کاهش هزینه‌های استقرار؛ تشکیل یک صندوق ثروت مستقل در امریکا؛ وادار کردن متحدان ناتوی امریکا برای تقبل سهم بیشتر از هزینه‌های امنیتی؛ تضعیف دالر به منظور افزایش رقابت بین‌المللی کسب و کارهای امریکایی.

پنداره‌های این طرح بر اساس یک مقاله بسیار طولانی (چهل صفحه‌ای) که حدود یک هفته پس از پیروزی ترمپ با عنوان «راهنمای کاربر برای بازسازی ساختار تجارت جهانی» منتشر شد، استوار است. این مقاله را استغافان میران، یکی از افراد تیم ترمپ نوشته است. چهل و هفتمین رئیس جمهور در ماه دسمبر اعلام کرد که استغافان میران به عنوان رئیس شورای مشاوران اقتصادی او خدمت خواهد کرد. در واقع او مشاور اصلی ترمپ در مسائل اقتصادی، از جمله مالی، ارزی و تجارت بین‌المللی است. میران تجربه کار در تیم ترمپ در کاخ سفید را قبلاً در دوره اول ریاست جمهوری او داشت. میران از سال ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱، زمانی که استیون منوچین این وزارتخانه را رهبری می‌کرد، به عنوان مشاور سیاست اقتصادی در وزارت خزانه‌داری خدمت می‌کرد. او قبل از سمت فعلی خود، یک طراح ارشد در مدیریت سرمایه هادسون، یکی از بنیانگذاران شرکت مدیریت دارایی «Amberwave Partners» و یک عضو غیروابسته در مؤسسه منهن بود.

این مقاله شامل شش فصل است: ۱- مقدمه؛ ۲- مبانی نظری؛ ۳- تعرفه‌ها؛ ۴- ارزها؛ ۵- مسائل بازار و نوسانات؛ ۶- نتیجه‌گیری.

در ابتداء، دایره نسبتاً کوچک متشکل از متخصصان به این کار علاقه‌مند بودند. اما در اواسط فبروری، جیم بیانکو، تحلیلگر مالی معروف امریکایی و رئیس «تحقیقات بیانکو»، یک بحث آنلاین (وبینار) گسترده در مورد مقاله میران برگزار کرد. او علاقه مخاطبان به طرح میران را بشدت برانگیخت و آن را به مدار بالا ارتقاء داد.

این بحث مورد توجه رسانه‌های امریکایی قرار گرفت و پیشنهادات میران از سوی روزنامه‌نگاران به عنوان «توافقتنامه مار-آ-لاگو» نامیده شد. بلومبرگ در بررسی خود خلاصه‌ای از کنفرانس آنلاین گسترده را ارائه داد و «بحث درباره توافقتنامه مار-آ-لاگو برای تجدید ساختار بدهی امریکا مورد توجه وال استریت قرار گرفت».

جیم بیانکو پیشنهادات مشاور اقتصادی رئیس جمهور را نه به عنوان تعدیل خصوصی، بلکه به عنوان یک تجدید ساختار کامل در کل ساختار مدیریتی در زمینه روابط پولی، مالی و تجاری و اقتصادی امریکا با بقیه جهان توصیف کرد. بررسی بلومبرگ می‌گوید: اصطلاح «توافقتنامه مار-آ-لاگو» اشاره است به توافقتنامه پلازا در سال ۱۹۸۵ و قبل

از آن، به توافقنامه برتون وودز در سال ۱۹۴۴، که نقاط عطف مهمی در شکل‌گیری نظام اقتصادی امروزی جهانی بودند».

فکر اصلاح نظام پولی، مالی و تجاری بین‌المللی جدید نیست. به ویژه، هم میران و هم بیانکو به کار زولتان پوژار، اقتصاددان هنگری-امریکائی و طراح سابق «گروه اعتباری سوئیس آ.گ.» اشاره می‌کنند که در باره تضعیف موقعیت دالر در جهان چندین سال پیش هشدار داده و خواستار آمادگی پیشاپیش امریکا برای این امر شده بود. ابتداء برتون وودز اول اتفاق افتاد (توافق کنفرانس بین‌المللی در سال ۱۹۴۴). سپس، نوبت به برتون وودز دوم (توافقنامه کنفرانس بین‌المللی جامائیکا در سال ۱۹۷۶ و توافقنامه پلازا در سال ۱۹۸۵) رسید. حالا هم امریکا و جهان به برتون وودز سوم نیاز دارند. امریکا اگر نمی‌خواهد نقش خود را به عنوان یک قدرت جهانی از دست بدهد، باید آغازگر و محرک این نسخه جدید نظام پولی و مالی باشد.

امروز هر سه، هم پوژار، هم بیانکو و هم میران معتقدند که برگ برنده اصلی امریکا نه حتی دالر، بلکه قدرت نظامی و توانائی آن برای تأمین امنیت نظامی دیگر کشورها است. به ویژه برخورداری امریکا از «چتر هسته‌ئی» که آماده است آن را بر سر سایر کشورها بگستراند. امریکا مایل است به مسائل امنیتی متحدانش به شرطی کمک کند که آن‌ها هزینه کمک را تقبل کنند. ترمپ حتی در دوره اول ریاست جمهوری خود، متحدان اروپائی امریکا در ناتو و کانادا را به تحت‌الحمایگی و کمک اندک به امنیت نظامی متهم کرد. به همین دلیل، خواستار آن شد که سایر اعضای ائتلاف نباید کمتر از ۲ درصد تولید ناخالص داخلی را صرف مخارج نظامی کنند. در غیر این صورت، امریکا حتی ممکن است از ناتو خارج شود. همه این‌ها واضح است.

اما پوژار، بیانکو و میران بر این باورند که متحدان می‌توانند و باید در مسائل مالی غیرمرتبط به بلوک ناتو با امریکا همراهی کنند. یکی از ایده‌های پوژار به ویژه این است که سایر کشورها در ازای تضمین امنیت خود از سوی امریکا، می‌توانند و باید با تجدید ساختار بدهی امریکا موافقت کنند. یعنی با مبادله برخی از اوراق خزانه‌داری امریکا با اوراق قرضه کوپن صفر ۱۰۰ ساله غیرقابل تجارت موافقت نمایند. در صورت نیاز فوری این کشورها به دالر، فدرال رزرو آماده است تا به آن‌ها وام بدهد.

بیانکو در روند این بحث از دارندگان اوراق قرضه امریکا خواست تا پیشنهادات پوژار را جدی بگیرند و در عین حال، با بیان این که «اگر ترمپ آماده است ناتو را منفجر کند، چرا نباید نظام مالی را منفجر کند»، آن‌ها را ترساند. بیانکو اظهاراتش را آزادتر از میران بیان می‌کند. او بعید نمی‌داند که طی چهار سال آینده ترمپ بتواند بدون ایجاد نظم جدید، نظام پولی و مالی کهنه را کاملاً تضعیف کند. او از بانکداران و سرمایه‌داران وال استریت خواست تا هوشیار باشند.

البته، با توجه به این که ترمپ صنعتی کردن مجدد امریکا، افزایش رقابت بین‌المللی تجارت امریکائی و حذف کسری عظیم تجاری امریکا را هدف ستراتیژیک خود قرار داده است، نرخ دالر امریکا یکی از موضوعات کلیدی سیاست اقتصادی ترمپ است. زیرا، این امر مستلزم کاهش ارزش پول امریکا است. پوژار، بیانکو و میران اعتقاد دارند که برای انجام این کار، ترمپ باید همان کاری را بکند که ریگان دقیقاً چهار سال پیش در سال ۱۹۸۵ انجام داد. این امر به توافقنامه پلازا اشاره دارد (موسوم به نام هتل پلازا در نیویورک که مذاکرات در آن انجام شد). در آن زمان واشنگتن توانست متحدان و شرکای خود را به اتخاذ تدابیری برای افزایش نرخ ارز خود در برابر دالر امریکا متقاعد کند. آن‌ها به عهد خود وفا کردند و اقتصاد امریکا دوباره نفس کشید. پس از این، اقتصاد جاپان دچار بحران شد (البته، اندکی قبل

از این، سرزمین آفتاب تابان یک «معجزه اقتصادی» را تجربه کرده بود). اما از آن زمان به بعد هرگز بهبود نیافته است.

۴۰ سال پیش، آمریکا می‌توانست آگاهانه و در واقع به زور ارزش دلار را پائین بیاورد. زیرا، دلار آمریکا از حاشیه امنیتی کافی برخوردار بود. اکنون چنین حاشیه امنیتی دیگر وجود ندارد. آیا به همین دلیل ترمپ گفته است برای هر کشوری که جرأت کند وضعیت دلار را به عنوان یک ارز جهانی زیر سؤال ببرد، تعرفه ۱۰۰ درصدی وضع خواهد کرد؟ دلار به عنوان یک ارز جهانی با تکیه بر آخرین قدرت خود سر پا ایستاده است. و برای ترمپ لازم است دلار، حتی ضعیف، به عنوان یک ارز جهانی باقی بماند. خواسته‌های متقابل انحصاری را می‌توان «تضاد ارزی» چهل و هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا نامید.

ما بار دیگر به صحت نظریه رابرت تریفین (۱۹۱۱-۱۹۹۳)، اقتصاددان مشهور آمریکایی متقاعد شدیم. در اوایل دهه ۱۹۶۰، او تناقض ارزی (معضل) را که به نام او نامگذاری شد، فرموله کرد. ماهیت تناقض عبارت از این است: «اگر کسری بودجه آمریکا ادامه یابد، جریان ثابت دلار به رشد اقتصاد جهانی کمک خواهد کرد. با این حال، کسری بیش از حد آمریکا (دلار مازاد) اعتماد به ارزش دلار آمریکا را تضعیف می‌کند. عدم اعتماد به دلار باعث می‌شود تا دیگر به عنوان ارز ذخیره جهان پذیرفته نشود. نظم نرخ ارز ثابت ممکن است سقوط کند و به بی‌ثباتی منجر شود». تریفین ایجاد واحدهای ذخیره جدید را راه اصلی خروج آمریکا از این بن‌بست می‌دید. آن‌هایی که به طلا یا ارزهای ملی مختلف متکی نیستند، نقدینگی کلی جهان را افزایش خواهند داد. او در سال ۱۹۶۰ نوشت: «اصلاحات اساسی نظام پولی بین‌المللی مدت‌هاست که به تعویق افتاده است. ضرورت و فوریت آن امروز با تهدیدی که برای دلار یک زمان قدرتمند آمریکا پیش می‌آید، بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد». او نخستین ابرها را در افق دیده بود که از نزدیک شدن طوفان به آمریکا خبر می‌دادند. اکنون طوفان آمریکا را درنور دیده است. اما، اقدامات حفاظتی در برابر رعد و برق مندرج در توافقنامه «مار-آ-لاگو» در مقایسه با اقدامات پیشنهادی تریفین چندان مؤثر به نظر نمی‌رسند. در حالی که میران و شرکاء همچنان به دلار چسبیده اند، تریفین تغییر پایه و اساس نظام پولی جهان و جایگزینی دقیق و نظام‌مند دلار با ارز دیگری را پیشنهاد کرد (ارزی مانند «حق برداشت ویژه»). یک واحد پولی خاص که صندوق بین‌المللی پول در اواخر دهه ۱۹۶۰ در مقادیر کم منتشر کرد). اما چنین روش برچیدن بنیاد باید از نیم قرن پیش آغاز می‌شد. در این صورت آمریکا همچنان می‌توانست هژمونی جهانی خود را حفظ کند. اکنون برای دست زدن به چنین اقدام بسیار دیر است. ایده‌های موجود در مورد دلار در توافقنامه «مار-آ-لاگو» را باید به عنوان نیمه اقداماتی ارزیابی کرد که فقط کاهش (و شاید حتی سقوط شدید) دلار و آمریکا را به تأخیر می‌اندازد.

در توافقنامه «مار-آ-لاگو» در مورد تعرفه‌ها به عنوان ابزار ممکن برای محافظت از اقتصاد آمریکا بسیار صحبت می‌شود. درست است، میران در مقاله خود نسبت به خطرات بالای اعمال تعرفه‌های حفاظتی هشدار می‌دهد. او با روحیه آکادمیک بحث می‌کند، برای مثال، درباره «هزینه‌های» احتمالی حمایت‌گرائی آمریکا مانند افزایش قیمت‌ها در بازار داخلی آمریکا صحبت می‌کند. یعنی تعرفه‌ها می‌تواند باعث برانگیختن موج تورم در آمریکا بشوند. و اعمال تعرفه‌های «آئینه‌ای» یا «متقارن» توسط شرکای تجاری می‌تواند با کاهش صادرات آمریکا و حتی افزایش کسری تجاری آمریکا همراه شود. همه خواهند باخت. اما آمریکا می‌تواند «بازنده خاص» باشد. به نظر من، ادعای برخی کارشناسان مبنی بر این که ترمپ بر اساس مقاله میران برای اعمال تعرفه بر کانادا، مکزیکو و چین تصمیماتی گرفته است، تا حدی درست است. اما درست‌تر است گفته شود «توافقنامه مار-آ-لاگو» که توسط خود ترمپ نوشته شده، می‌تواند نوعی سند مجازی تلقی شود.

حالا برگردیم به وینار جیم بیانکو. این مرشد مالی در طول بحث گفت: «توافقتنامه مار-آ-لاگو» یک واقعیت نیست، یک مفهوم است. این طرحی است برای بازسازی بخشی از نظام مالی! به باور من، اگر «توافق» مذکور به طور کامل اجراء شود، منجر به تغییر ساختار نظام مالی نخواهد شد، بلکه به فروپاشی نهائی آن خواهد انجامید.

بنیاد فرهنگ راهبردی

۴ فروردین- حمل ۱۴۰۴

* - پروفیسور، دکتر علوم اقتصاد، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی «شاراپوف» فدراسیون روسیه، پژوهشگر مسائل

پشت صحنه